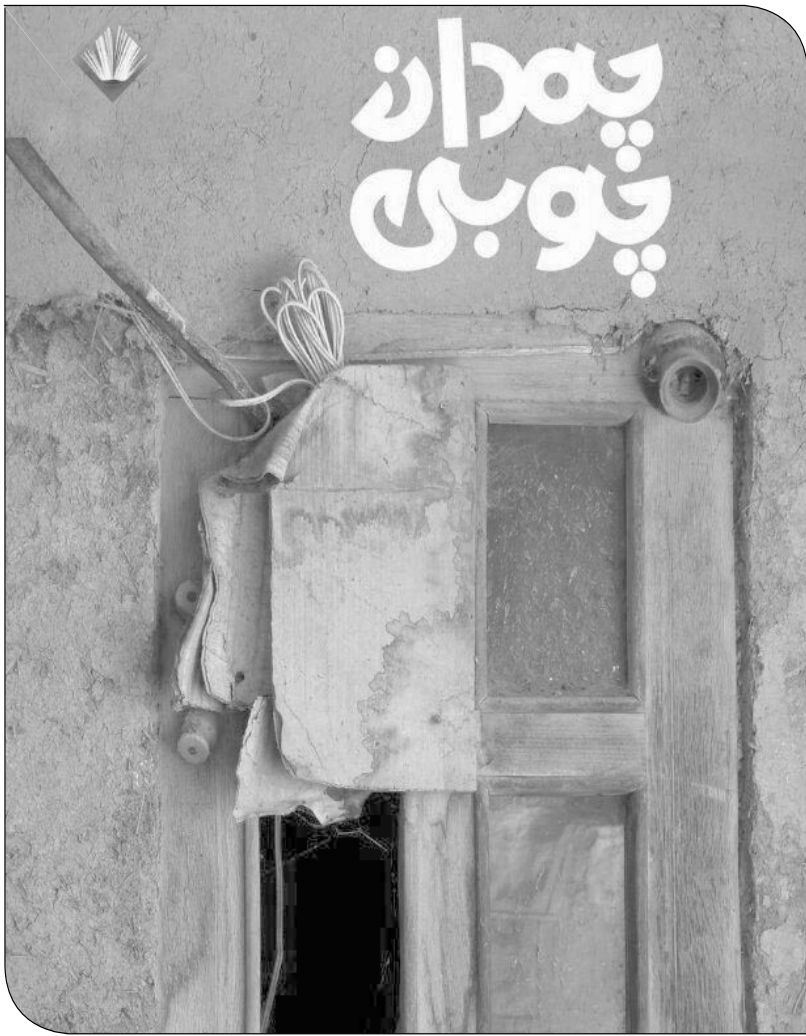


چمدان چوبی

مجموعه داستان – نوشته‌ی محمدرضا فقیه‌الاسلام– چاپ اول –۱۳۹۴
ناشر: انتشارات داستان‌سرا

معرفی از: ابوالقاسم فقیری



از محمدرضا فقیه‌الاسلام پیش از این «روات» را خوانده بودم که زندگی خودنوشت نویسنده بود. اکنون از این نویسنده «چمدان چوبی» را پیش رو دارم. گام‌های رو به جلو نویسنده در کتاب آشکار است و این یعنی پیشرفت در نویسندگی. امید که شاهد موفقیت‌های بیشتر او باشیم. این مجموعه دنباله «روات» است و همان راوی اینجا هم حضور دارد. داستان‌ها بیشتر به صورت سوم شخص نگاشته شده است. راوی را هم مشاهده می‌کنیم که به حرکت رو به جلو داستان‌ها کمک می‌کند.

نکاتی چند درباره مجموعه داستان چمدان چوبی:
۱- پیشانی کتاب این چند سطر را می‌خوانیم: نامش را هر چه می‌خواهید بگذارید: قصه، داستان، نقل، روایت و یا به قول فرنگی‌ها: نوول، رمانس و … هر چه هست همین است که هست. از همان اول کار می‌توانید هایش کنید و عطایش را به لقایش ببخشید، مگر نه از قدیم گفته‌اند: «مال بد بیخ ریش صاحبش!»

این مضمون را جایی دیدهام. نویسنده دارد می‌گوید: آش کشک خالته، بخوری پاته، نخوری پاته! داستان من همین است که هست.
با خود گفتم: این مطلب آشنا را کجا خوانده‌ام.–
دیرزمانی نگذشته بود که شناختمش – او هم فارسی است بچه دشتستان و شیراز. یک بار ایشان را در منزل استاد پرویز خاقتی دیدم، ماجرایش را نوشته‌ام. اهالی قلم باید نوشته‌های تأثیرگذار او را خوانده باشند و اگر خوانده باشند توصیه می‌کنم نوشته‌های او را بخوانند. نویسنده کتاب‌های: (شلولوهای وصله‌زار، لولی سرمست) را که می‌شناسید زنده‌یاد «رسول پرویزی» را می‌گویم.

۲- در صفحه ۱۶۰ کتاب یک سُرُو «واسونک» دیدم که در نهایت زیبایی است. هنوز هم امیدوارم روزی محمدرضا فقیه‌الاسلام به فرهنگ مردم دشتستان بپردازد و آنها را از مرگ حتمی نجات بخشد.

کُکی جونئ کُکی جونئ، چی ندارم لایقت
جوئمہ دسمال بوندم برفشُم تُوووت
KOKEYI JUNI KOYI JUNI
CHI NADAROM LAYEGHET
DASMAL
BEBANDOM BEFRESOM TU
DOVATET

کاکوی جونیم، کاکوی جونیم
هدیه‌ای که لایق تو باشد ندارم

جانم را در دستمال می‌پیچم، در عروسی پیشکشت می‌کنم.

۳- چمدان نمی‌تواند چوبی باشد، صندوق و صندوقچه است که چوبی است.

کشکول

● چهارشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۵ ۱۷ جمادی‌الاول ۱۴۳۸ Feb 15, 2017 سال بیست و دوم شماره ۵۹۹۱ ●

است.

ولی عشق که از راه می‌رسد همه را به یک چشم می‌بیند. شیرینی و ماندگاری عشق هم به خاطر همین است.

دامنه عشق این دو هم روز به روز گسترده می‌شود تا جایی‌که بیشتر اهالی از عشق آنان صحبت می‌کنند.

فرازی از داستان را با هم مرور می‌کنیم:

خداداد هر بار کنار خاتون قرار گرفته، نگاهش را توانسته تحمل کند.

تیر نگاه که چله کمان رها شود، سیاه و سفید نمی‌شناسد، دارا و نندار نمی‌کنند. اصل و نسب نمی‌داند یک راست می‌خورد به هدف، بی‌هیچ ملاحظه‌ای…

عشق چه زود به سراغ خداداد می‌آید! در خانه‌اش را می‌زند. تیر نگاه خاتون در همان اول به دلش می‌نشیند. و قصه عشق و عاشقی آنها در نشست‌ها دهان به دهان شده نقل مجالس می‌گردد.

پدر خداداد به این نقل‌ها توجهی نمی‌کند. او بر این باور است که خداداد جوان عاقلی است. بی‌صلاحدید من کاری نمی‌کند ولی خداداد در دنیای دیگری است فارغ از دل‌نگرانی‌های پیرمرد…

زمان است که بر آنها می‌گذرد. از قضای روزگار برای خاتون خواستگاری می‌آید. داماد بیست سالی بزرگتر از عروس است. زن‌مرده‌ایست که می‌خواهد زن دوم بگیرد.

این خبری نیست که خداداد بتواند تحملش کند. روز عقد به سراغ آنها می‌رود و تیغه چاقوی ضامن‌دارش را در سینه برادر خاتون فرو می‌کند. چرا برادر خاتون؟ شاید به خاطر اینکه او را مانع اصلی، پیش رویش می‌بیند.

خداداد مانند در روستا را صلاح نمی‌بیند. از روستا بیرون می‌زند. از آن طرف برادر خاتون را به موقع بهداری برده و از این حادثه جان سالم به در می‌برد. سرگردانی خداداد ادامه نمی‌یابد تصمیم می‌گیرد خودش را به ژاندارمری معرفی کند. در حالی که با خود می‌اندیشد: بالاتر از سیاهی که رنگی نیست!

برای معرفی به ژاندارمری مراجعه می‌کند.

جناب سربوان فرمانده پاسگاه به او می‌گوید: پسر جان برو اینجا نایست، هر وقت ارت شکایت کردند بیا تا تکلیفت را روشن کنیم.

پایان داستان با مرگ خداداد و پدرش به انجام می‌رسد. خانواده خاتون برادرها و نامزد تازه خاتون عامل این کشتارند و این داستان این‌چنین به پایان می‌رسد: پیرمرد را که توی برانکارد می‌گذار، چشمانش مات و ثابت به نقطه‌ای خیره می‌ماند. نمی‌داند به چی و به کجا؟ به خداداد یا در نیمه باز اتاق؟

شاید هم نگران چمدان چوبی است و یادگارهای منیزه که خُرد، خُرد دارند می‌پوستد و از بین می‌روند. چمدان چوبی قصه‌ای خواندنی است، یقین خوانندگانی که به گویش مردم دشتستان آشنا باشند، لذت بیشتری از این داستان می‌برند. چمدان چوبی را نشر جوان داستان‌سرا درآورده، برای نویسنده و ناشر آرزوی موفقیت داریم.

با خودم در راه

نوشته: ابوالقاسم فقیری

شهر در مه نشسته بود. مرد، جسد را روی دستش حمل می‌کرد و زن با چشم‌های پف کرده و گریان، پشت سرش می‌آمد. زن، جوان بود. سی ساله به نظر می‌رسد. غمی که تمام صورتش را در خود گرفته بود. حالت احترام‌آمیزی به او داده بود. زن، سراپا سیاه پوشیده بود. مرد، بیش از آنکه متأثر باشد، بیشتر به وظیفه‌اش – که حمل جسد بود– می‌اندیشید. آن دو شباهی به هم نداشتند و برای اهالی محله غریب بودند. کنار خیابان را گرفته بودند و می‌رفتند. عجیب آنکه، کمتر کسی به آنها توجه داشت: گویی آنها نبودند که جنازه عزیزی را با خود به گورستان می‌برند.

جسد، کودک دو– سه ساله را می‌نمود که در حوله سفیدی پیچیده شده بود.

آنها، آرام می‌رفتند. قدم‌هایشان با هم جور بود. مرد، پالتو سیاه بلندی پوشیده بود که تا پشت پایش می‌رسید. دلم سوخت. مرد نمی‌توانست جنازه را تا گورستان، روی دست‌هایش حمل کند. مردم، بی‌تفاوت، از دو طرف، در آمد و شد بودند. تند کردم تا به مرد رسیدم. زن، حتی برنگشت تا ببیند کیست، کاملاً در خودش بود.

جلو مرد که سبیز شدم، مثل اینکه دنیا را بهش داده باشند. حالا جسد روی دست‌هایم بود. جسد نسبت به چشماش، سنگین بود. مرد بدون اینکه حرفی بزند. همراهم به راه افتاد. در این قسمت خیابان، مه زیاد شده بود. خیابان داشت تمام می‌شد که پیچیدم به طرف راست.

به زن گفتم: فکرش را نکنید. جای سوخته، سبز است.

نه زن و نه مرد، هیچ کلام حرفی نزدند. تنها زن را دیدم که با نگاه مهربانش، برگشت و مرا نگاه کرد. در چشم‌هایش، غم بود.

شهر را که دور زدیم، به کوچه‌باغ‌هایی رسیدیم. در این قسمت، مه کمتر و کمتر می‌شد. درخت‌ها از دو طرف به داخل کوچه سرک می‌کشیدند. بوی علف‌های تازه‌رس بهاری، همراه با بوی شکوفه‌های بادام، توی کوچه‌باغ‌ها پیچیده بود.

دست‌هایم، خسته شده بودند. زن و مرد، بی‌خبر از من می‌رفتند. هر چی می‌رفتم، به جایی نمی‌رسیدیم. کوچه‌ها پشت سر هم کش می‌آمدند و دراز می‌شدند. ولی تفاوتی با هم نداشتند. همه جا درختان بودند که از دو طرف، روی دیوار افتاده بودند.

احساس کوفتگی عجیبی در تمام بدنم می‌کردم. دَاشتم پشیمان می‌شدم. «بی‌انصاف‌ها!» این کلمه را خطاب به آن زن و مرد گفتم. ولی ابدأ عکس‌العملی نشان ندادند، شاید من به «بی‌انصاف‌ها » فقط فکر کرده بودم! قدم‌هایم را آرام کردم تا ببینم چه می‌کنند. آنها هم از سرعت قدم‌هایشان کاستند. تند کردم. آنها هم تند کردند. باز هم مدت‌ها رفتم و آنها فارغ از من بودند.

برای اینکه حرفی زده باشم، به مرد گفتم: پسر بود یا دختر؟

به جای او، زن خیلی آرام، مثل اینکه از ته چاه صحبت می‌کند، گفت: زمانی، پسر بود!

پرسیدم: چند سالش بود؟

این بار مرد بود که جوابم را داد: چهل سالی داشت.

جواب‌هایشان هم مثل حرکاتشان، اسرار‌آمیز بود. باز هم سکوت کردند. هوا گرم شده بود. کلافه شده بودم.

حالا آنها پنجاه متر مرا گذاشته بودند. تلاشم بیهوده بود. با جسدی که روی دست داشتم، نمی‌توانستم به آنها برسم. سنگینی جسد، هر لحظه بیشتر می‌شد.

می‌رفتم، که در باغی پیدا شدم. زن جلو دوید و در باغ، خود به خود باز شُدد. هر دو وارد باغ شدند. تنها برای یک آن، توانستم درون باغ را ببینم و در بسته شد. لحظاتی بعد، در باغ، در متن خاکی دیوار گم شد.

دیوارها از دو طرف بالا رفتند؛ به طوری که از آسمان، بیش از باریکه‌ای نمی‌دیدم. من مانده بودم و جسد که روی دست‌هایم بود. کوچه، از دو طرف تا بی‌نهایت جلو می‌رفت. بی‌اختیار روی پاهایم چین شدم. جسد را روی زمین گذاشتم. تمام بدنم درد می‌کرد. مدتی با خودم بودم. جسد را فراموش کرده بودم. نگاهم متوجه روشنی آسمان بود. ناگهان به فکر افتادم که صورت جسد را ببینم. حوله را از اطراف جسد باز کردم و خودم را دیدم: کودکی که پیر شده بود… انبوه موهایش، به سفیدی می‌زد. چشم‌هایش باز بود.

دستم را جلو بردم تا چشم‌هایش را ببندم ولی فایده نداشت. چشم‌هایش بسته نمی‌شد. به مرگ فکر کردم؛ به خاک شدن، سبز شدن، گل شدن، پرپر شدن… ناگهام در چشم‌هایش بود، که به خود آمدم. خواستم از آنجا فرار کنم، تمام نیرویم را در قدم‌هایم ریختم. می‌رفتم، که باز سنگینی جسد را روی دست‌هایم حس کردم.

ثبتي و دادگستري

هيات موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي و اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶-۳۱۱۰-۸۰۰-۲۷۵۸ هیات مورخ ۹۵/۱۱/۱۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک جبرم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی غلامحسین فاخر فرزند هدایت‌الله به شماره شناسنامه ۳۶۴ صادره از جبرم در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۴۵۵/۴۶ مترمربع پلاک ۹۵۳ فرعی از ۸۰۶ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۱۲ فرعی از ۸۰۶ اصلی واقع در بخش ۱۱ فارس خریداری از مالک رسمي محمد ترابی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدن، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۱۱/۱۲	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۱۱/۲۷	
م/۱۰۲۱ الف	
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جبرم روح‌اله دهقان	

هيات موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي و اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶-۳۱۱۰-۸۰۰-۲۷۶۶ هیات مورخ ۹۵/۱۰/۱۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک جبرم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محمداسمعیل پژوهش جبرمی فرزند محمدحسن به شماره شناسنامه ۵۰۴ صادره از جبرم در شش‌دانگ یکباب مغازه به مساحت ۳/۳۸ مترمربع پلاک ۹۵۶ فرعی از ۸۰۶ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۱۰ فرعی از ۸۰۶ اصلی واقع در بخش ۱۱ فارس خریداری از مالکین رسمي لایلا و عبدالحمید ابوطالبی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه عصر مردم آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدن، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۱۱/۱۲	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۱۱/۲۷	
م/۱۰۳۱ الف	
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جبرم روح‌اله دهقان	

هيات موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي و اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶-۳۱۱۰-۸۰۰-۲۷۲۱ هیات مورخ ۹۵/۱۰/۱۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک جبرم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مجتبی شیرزادگان جبرمی فرزند حاجی بابا به شماره شناسنامه ۲۴۲۲ صادره از جبرم در شش‌دانگ یکباب مغازه به مساحت ۳۵/۴۵ مترمربع پلاک ۹۵۷ فرعی از ۸۰۶ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۱۰ فرعی از ۸۰۶ اصلی واقع در بخش ۱۱ فارس خریداری از مالکین رسمي لایلا و عبدالحمید ابوطالبی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه عصر مردم آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماهه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدن، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۱۱/۱۲	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۱۱/۲۷	
م/۱۰۲۸ الف	
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جبرم روح‌اله دهقان	

هيات موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي و اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶-۳۱۱۰-۳۵۰-۱۱۹۰۷ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه سه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی امامعلی عباسی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱۶۹ صادره از شیراز در شش‌دانگ عرصه و اعیان یکباب خانه به مساحت ۱۴۹/۰۷ مترمربع به پلاک فرعی ۱۲/۳۳۶۷۱ مغرور و مجزی شده از پلاک ۱۲ بخش ۳ شیراز واقع در بزین خریداری از مالک رسمي حسن اسماعیلی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدن، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۱۱/۱۲	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۱۱/۲۷	
م/۲۴۹۶۳ الف	
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه سه شیراز سیروس لطفی ایبوردی	

هيات موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي و اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶-۳۱۱۰-۸۰۰-۲۷۷۰ هیات مورخ ۹۵/۱۰/۱۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک جبرم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی قدرت‌اله رضمانی فرزند خلیل به شماره شناسنامه ۳۹۳ صادره از قطب‌آباد در شش‌دانگ یکباب مغازه به مساحت ۱۶۶/۸۵ مترمربع پلاک ۲۶۴۹ فرعی از ۸۰۸ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۱۳۸ فرعی‌از ۸۰۸ اصلی واقع در بخش ۱۱ فارس خریداری از مالک رسمي عطیه حکیم‌زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه عصر مردم آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدن، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۱۱/۱۲	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۱۱/۲۷	
م/۱۰۲۹ الف	
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جبرم روح‌اله دهقان	

هيات موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي و اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶-۳۱۱۰-۸۰۰-۲۷۷۰ هیات مورخ ۹۵/۱۰/۱۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک جبرم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی قدرت‌اله رضمانی فرزند خلیل به شماره شناسنامه ۳۹۳ صادره از قطب‌آباد در شش‌دانگ یکباب خانه به مساحت ۱۶۶/۸۵ مترمربع پلاک ۲۶۴۹ فرعی از ۸۰۸ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۱۳۸ فرعی‌از ۸۰۸ اصلی واقع در بخش ۱۱ فارس خریداری از مالک رسمي عطیه حکیم‌زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه عصر مردم آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدن، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۱۱/۱۲	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۱۱/۲۷	
م/۱۰۳۶ الف	
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جبرم روح‌اله دهقان	

هيات موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي و اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶-۳۱۱۰-۸۰۰-۲۷۳۵ هیات مورخ ۹۵/۱۰/۱۴ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک جبرم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پیرام شیرزادگان جبرمی فرزند حاجی بابا به شماره شناسنامه ۳۰۵ صادره از جبرم در شش‌دانگ یکباب مغازه به مساحت ۳۴/۷۰ مترمربع پلاک ۹۵۵ فرعی از ۸۰۶ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۱۰ فرعی از ۸۰۶ اصلی واقع در بخش ۱۱ فارس خریداری از مالکین رسمي لایلا و عبدالحمید ابوطالبی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه عصر مردم آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدن، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۱۱/۱۲	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۱۱/۲۷	
م/۱۰۳۰ الف	
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جبرم روح‌اله دهقان	

هيات موضوع قانون تعيين تکليف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي و اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي	
برابر رأی شماره ۱۳۹۵۶-۳۱۱۰-۸۰۰-۲۸۴۰ هیات مورخ ۹۵/۱۰/۲۹ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعت ثبتي اراضي و ساختمان‌هاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک جبرم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مژگان مرادی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۴۶۰۲۰۲۴۰۷ صادره از جبرم در شش‌دانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۹۹/۸۵ مترمربع پلاک ۳۵ فرعی از ۸۶۴۲ اصلی مغرور و مجزی شده از پلاک ۵ فرعی از ۸۶۴۳ اصلی واقع در بخش ۱۱ فارس خریداری از مالک رسمي غلامعباس مصلی‌نژاد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه عصر مردم آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدن، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراج قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۱۱/۱۲	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۱۱/۲۷	
م/۱۰۳۴ الف	
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جبرم روح‌اله دهقان	